

رابطه شیوه‌های حل مسأله اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان با سبک‌های حل تعارض والدین

فاطمه کاظمی^۱، کیوان کاکابرایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد علوم تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
^۲ گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

کیوان کاکابرایی
kakabraee@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه شیوه‌های حل مسأله اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان با سبک‌های حل تعارض والدین در دانش آموزان دختر شهر کرمانشاه صورت پذیرفت. این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی که، جامعه آماری شامل ۱۰۸۰ دانش آموز دختر-والد بودند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۹۲ دانش آموز-والد بصورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های پرسشنامه سبک‌های حل تعارض والدین (کوردک، ۱۹۹۴)، سبک‌های حل مسأله اجتماعی از مقیاس دی زوریلا و همکاران (۲۰۰۰) و نسخه کوتاه فهرست مقابله با موقعیت‌های تنیدگی زا (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده از آزمون آماری ماتریکس همبستگی و رگرسیون چند گانه استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های حل تعارض با شیوه‌های حل مسأله اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد به نحوی که بیشترین ارتباط بین سبک حل تعارض مثبت با شیوه حل مسئله منطقی گزارش گردید. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سبک‌های حل تعارض والدین و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان رابطه معناداری وجود دارد به نحوی که بیشترین ارتباط بین سبک حل تعارض مثبت و راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار بود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که سبک‌های حل تعارض والدین پیش‌بینی کننده سبک‌های حل مسئله و شیوه‌های مقابله‌ای فرزندان است. نتایج نشان داد که می‌توان با آموزش والدین در حل تعارضات زناشویی به صورت کارآمد، شیوه‌های حل مسئله و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان را بهبود بخشید.

واژگان کلیدی: تعارض والدین، حل مسأله اجتماعی، راهبردهای مقابله‌ای، فرزندان

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین محیط اجتماعی که کودک در آن قدم می‌گذارد، نقش اساسی در پدیدآیی ویژگی‌های فردی و اجتماعی وی دارد. در این میان نقش محوری پدر و مادر در شکل‌گیری این خصوصیات غیرقابل انکار است. اما چگونگی این تأثیرگذاری نیاز به پژوهش عمیق و گسترده پیرامون روابط والدین با یک دیگر و فرزندان‌شان دارد. پژوهش‌های مختلف تأثیرپذیری انواع رفتارهای فرزندان از تعاملات و ارتباطات میان پدر و مادر را صحنه گذاشته‌اند. روابط نامناسب والدین موجب شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نامناسب ناخواسته‌ای در نوجوانان می‌گردد که سهم عمده‌ای در چگونگی روابط آنان با دوستان و همسالانشان و به طور کلی نحوه پاسخ‌های آنان به موقعیت‌های مختلف اجتماعی خواهد داشت (یزدان پناه، حضرتی ویری، کیانی و اشرف آبادی، ۱۳۹۰). دو موضوع عمده در این زمینه عبارت‌اند از حل مسأله اجتماعی و سازگاری اجتماعی که تأثیرات بسیاری بر کنار آمدن افراد با مشکلات می‌شود. تعارضات والدین به شکل مستقیم و غیر مستقیم بر توانایی حل مسأله اجتماعی و سازگار اجتماعی فرزندان تأثیر می‌گذارد (وایت سایت، ۲۰۰۹).

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که نوع سبک‌های حل تعارض اثرات متفاوتی را بر روی بعد روان‌شناختی فرزندان این والدین می‌گذارد. گاتمن و کروورکوف (۱۹۸۹؛ به نقل از برنجه، ۲۰۰۹) در زمینه سبک‌های حل تعارض مدلی را ارائه کرده‌اند که چهار سبک را شامل می‌شود. حل مسأله مثبت^۳، پرخاش در تعارضات^۴، کنار کشنده^۵ و انطباقی^۶ شیوه‌های کنار آمدن با تعارضات هستند. شیوه‌های مثبت کنار آمدن والدین می‌تواند اثرات مثبتی را به همراه داشته باشد و از طرف دیگر، شیوه‌های منفی حل تعارض اثرات ناخوشایندی را بر فرزندان می‌گذارد (گاتمن، ۱۹۹۹).

خانواده سیستمی پویاست که از روابط وابسته به هم تشکیل شده و در بطن موقعیت‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی قرار دارد. همه این عوامل بر نحوه تغییر کردن خانواده در طول زمان تأثیر می‌گذارد. پژوهشگران نوین، خانواده را به صورت مجموعه‌ای از روابط و وابسته به هم در نظر می‌گیرند و برطبق نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی، رفتارهای هر عضو خانواده بر رفتارهای سایر اعضا تأثیر می‌گذارد و این تأثیرات دو جهتی (دوسویه) هستند ارتباط محبت آمیز و صبورانه پاسخهای یاری‌گرانه و مسالمت آمیز را فرا می‌خواند و تندی و ناشکیبایی رفتار خشم آگین و مخالفت را بر می‌انگیزد. هریک از این واکنشها به نوبه خود حلقه جدیدی را در زنجیره تعاملی بوجود می‌آورد. در مورد اول پیام مثبت ادامه می‌یابد و در مورد دوم پیام منفی یا اجتماعی روی می‌دهد (برک^۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۰).

پژوهش‌ها حاکی از آنست که رضایتمندی زناشویی با سبکهای حل تعارض همبستگی بالایی دارد (گاتمن، ۱۹۹۴) و سبک‌های حل تعارض والدین می‌تواند بر نوع نگرش و روابط فرزندان تأثیر گذار باشد. فرد در جامعه همیشه در پی کسب حرمت و یافتن جایگاه و نقش اساسی خود است. در صورت تحقق چنین امری سازگاری اجتماعی برای فرد رخ خواهد داد. عوامل و موانعی وجود دارند که مسیر سازگاری اجتماعی را مسدود می‌سازند که بی‌تردید عوامل منفی ناشی از خانواده و تعارضات والدین در رده نخست قرار دارند. در خانواده‌هایی که اشکال رفتارهای اجتماعی در آن‌ها نامناسب باشد، فرزندان ناسازگاری پرورش می‌یابند و اگر این کودکان حتی در محیط خارج از خانه و در میان دوستانشان بتوانند با تحرک خود تا مراحل با دیگران سازگاری نشان دهند، احتمالاً هنوز در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی ناسازگاری خواهند داشت (یزدان پناه، ویری، کیانی و اشرف آبادی، ۱۳۹۰). پارکر و آشر (۱۹۹۳) سازگاری اجتماعی را توانایی برقراری ارتباط با دیگران در مسائل اجتماعی به طور که با ارزش‌ها و شرایط اجتماعی هماهنگ باشد دانسته‌اند. رابطه تعارضات میان والدین با سازگاری فرزندان بستگی به نوع حل تعارضی دارد که والدین استفاده می‌کنند. درحالی که استفاده والدین از رویکرد پرخاشگری یا اجتناب از تعارض در حل تعارضات به بسیاری از پیامدهای منفی در کودکان ارتباط داشت، استفاده والدین از مذاکره و مصالحه با آثار مثبت تری در سازگاری فرزندان در ارتباط است (دادز، اتکینسون ترنر، بلومز، و لندیچ، ۱۹۹۹).

حل مسئله یک مهارت حیاتی برای زندگی در عصر حاضر است. در اغلب جوامع همه بر این باورند که باید بر افزایش مهارت‌های حل مسئله تأکید شود (سلامی و آرمو، ۲۰۰۶). از نظر دزوریلا و همکاران، واژه حل مسئله اجتماعی به فرایند حل مسئله در محیط طبیعی و

1. Whiteside
2. Branje
3. Positive problem solving
4. Conflict engagement
5. Withdrawal
6. Compliance
7. Gottman
8. Berk
9. Salami & Aremu

دنیای واقعی، اطلاق می‌شود (دی زیوریللا و شیدی^۱، ۱۹۹۱). حل مسئله‌ی اجتماعی فرایندی است شناختی که به وسیله‌ی آن فرد می‌کوشد راه حل مناسبی را برای یک مشکل پیدا کند (پرلا و ادوئل، ۲۰۰۴؛ به نقل از عطلاذخت، نوروزی و غفاری، ۱۳۹۲). آموزش حل مسئله، فرآیندی ساده است که به راحتی می‌توان آن را آموخت. در این رویکرد فرد می‌آموزد که چگونه به شیوه‌های صحیح و کار آمد، مشکل را تعریف و بررسی نمود، برای حل آن اقدام نماید (هاوتون^۲، ۲۰۰۰؛ ترجمه قاسم زاده، ۱۳۸۱). از دیدگاه پژوهشگر به نظر می‌رسد سبک‌های حل تعارض می‌تواند رفتارهای فرزندان را تحت تاثیر خود قرار دهد. این تاثیر گذاری بر جنبه‌های ارتباطات و تعاملات اجتماعی بیشتر است. نوع برخورد و چگونگی مسایل اجتماعی می‌تواند از نوع برخورد و چگونگی تعامل والدین در تعارضاتشان تاثیر پذیر باشد و نیز چگونگی مقابله‌ی فرزندان با شرایط استرس آور الگوی از نوع مقابله والدین در شرایط اضطراب آور بخصوص در شرایط تعارضات زناشویی آنها با یکدیگر است. با توجه به اهمیت تاثیر گذاری تعارض والدین بر فرزندان و نقش‌های اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ی آنان، این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض والدین و شیوه‌های حل مساله اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ی فرزندان انجام پذیرفت.

تئوری و پیشینه تحقیق

مفهوم حل مساله توسط دزوریللا و نزو (۱۹۸۱؛ نقل از پشتیبیان، ۱۳۸۶) چنین تعریف شده است: فرایند شناختی- رفتاری خودرهنمون^۳ است که فرد با استفاده از آن تلاش می‌کند راههای مقابله مؤثر یا انطباقی با مشکلات زندگی روزمره را بیابد. بر طبق این دیدگاه، حل مساله اصولاً یک فرایند مقابله هشیار، عقلانی، پرتلاش و هدفمند است که می‌تواند توان فرد را برای درگیری مؤثر با طیف وسیعی از موقعیت‌های فشارزا بالا ببرد. نزو و رونان^۴ (۱۹۸۸؛ نقل از پشتیبیان، ۱۳۸۶) حل مساله را شامل یک رشته پاسخ‌های رفتاری و اعمال شناختی و عاطفی می‌دانند که به منظور سازگاری با درگیری‌های درونی و یا محیطی، به سمت هدف خاصی جهت یافته‌اند. از نظر دزوریللا و نزو (۱۹۹۰؛ نقل از پشتیبیان، ۱۳۸۶) حل مساله از دو مؤلفه تشکیل یافته است: (۱) جهت‌گیری به مساله و (۲) مهارت‌های حل مساله.

جهت‌گیری به مساله مؤلفه انگیزشی توانایی حل مساله را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر مجموعه پاسخ‌های شناختی- عاطفی (هیجانی)- رفتاری تعمیم یافته‌ای است، که فرد آن را به موقعیت مشکل دار کنونی منتقل می‌کند. به طور کلی این مؤلفه از تجارب مربوط به حل مساله در گذشته ناشی می‌شود. جنبه‌ی شناختی این مجموعه پاسخ‌ها، در بر گیرنده‌ی متغیرهایی مانند ارزیابی مساله (برای مثال اهمیت دادن به سلامت)، اسنادهای علی و انتظارات کنترل شخصی است. جنبه‌ی هیجانی بر حالات عاطفی مانند اضطراب، خشم و افسردگی متمرکز است و بخش رفتاری به تمایلات گرایش- اجتناب اشاره می‌کند (دزوریللا و شیدی، ۱۹۹۲؛ نقل از پشتیبیان، ۱۳۸۶).

مؤلفه مهارت‌های حل مساله عبارت از فعالیت‌های اختصاصی هدفمندی است که فرد را قادر می‌سازد مشکل یا مساله‌ی او را با موفقیت حل کند. این مؤلفه دارای ۴ مرحله است که برخی از مؤلفان آنها را مراحل حل مساله گفته‌اند. این مراحل عبارتند از: (۱) تعریف و ضابطه بندی مساله^۵، (۲) ایجاد راه حل‌های جانشینی^۶، (۳) تصمیم‌گیری^۷ و (۴) انجام و تصحیح راه حل^۸ که به معنی توانایی انجام و ارزیابی راه حل‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای به طور مؤثر می‌باشد.

هر کدام از این فعالیت‌های هدفمند و ماهرانه، در کشف و ابداع یک پاسخ مقابله‌ای سازگارانه در برابر موقعیت مساله آفرین خاص سهم عمده‌ای را دارند (پشتیبیان، ۱۳۸۶).

لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) از اولین افرادی بودند که به بحث روش‌های مقابله با استرس و چگونگی کنار آمدن با شرایط استرس آمیز پرداختند. از دیدگاه آنان مقابله عبارت بود از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام رو به رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن و یا به حداقل رساندن عوارض تنش به کار گرفته می‌شود (به نقل از حسینی دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳).

1. D'Zurilla & Sheedy
2. Hottone
3. Self-directed
4. Ronan
5. Problem definition and formulation
6. Generating of alternative solutions
7. Decision making
8. Solution implementation and verification

راهبردهای مقابله مجموعه ای از تلاش های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر و تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش زا به کار می رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می شود. دو راهبرد اصلی مقابله عبارتند از: راهبرد مقابله ای هیجان مدار^۱ که شامل کوشش هایی جهت تنظیم پیامدهای هیجانی واقعه تنش زاست و تعادل عاطفی و هیجانی را از طریق کنترل هیجانات حاصله از موقعیت تنش زا حفظ می کنند مقابله، نیازمند بسیج و آماده سازی نیروها و انرژی فرد است که با آموزش و تلاش به دست می آید، لذا با کارهایی که به طور خودکار انجام می شود تفاوت اساسی دارد. و راهبرد مقابله ای مساله مدار شامل اقدامات سازنده فرد در رابطه با شرایط تنش زا است و سعی دارد تا منبع تنیدگی را حذف کرده یا تغییر دهد(اندلر^۲ و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از دولت آبادی و همکاران، ۱۳۹۳).

مقابله به عنوان یک فرایند روان شناختی، به کوشش های شناختی و رفتاری اشخاص برای حل و فصل شرایط استرس زا گفته می شود. مقابله در برگیرنده تلاش ها، اعم از کنش محور و درون روانی، برای اداره و تنظیم تقاضاهای محیطی، درونی و کشمکش میان آنهاست و دو کارکرد مهم دارد: تنظیم هیجان های ناگوار و در پیش گرفتن کنشی برای تغییر و بهبود، مسأله ای که باعث ناراحتی شده است (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۲؛ به نقل از بهادری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۲). مقابله، نیازمند بسیج و آماده سازی نیروها و انرژی فرد است که با آموزش و تلاش به دست می آید، لذا با کارهایی که به طور خودکار انجام می شود تفاوت اساسی دارد (سیدی^۳ و همکاران، ۲۰۱۴).

بررسی فرآیند مقابله عمومی، افراد را بر حسب سه نوع اساسی سبک مقابله ای مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی متمایز می سازند. مقابله مسأله مدار شامل تغییر و مدیریت مشکلاتی است که باعث استرس می شوند این سبک مقابله بیش تر عمل گرا است. افرادی که در این سبک مقابله درگیر می شوند توجه شان بر منابع مورد نیاز (مثل مهارت ها، ابزار، دانش ضروری در ارتباط با استرسورها) متمرکز است و شامل یک سری راهبردهایی مثل جمع آوری اطلاعات، حل تعارض، برنامه ریزی و تصمیم گیری است. به نظر می رسد مقابله مسأله مدار سازگارانه ترین سبک مقابله در ارتباط با کاهش پریشانی روانی، اضطراب و افسردگی باشد(برکل و همکاران^۴، ۲۰۰۹). مقابله هیجان مدار شامل استفاده از پاسخ های هیجانی و مدیریت هیجانات در موقعیت استرس زا مثل موقعیت امتحان است. این هیجانات شامل گریه کردن و عصبانی شدن از امتحان دادن است. اندلر و پاکر نوع آخر مقابله را مقابله اجتنابی می دانند، مردم در دو سطح درگیر راهبردهای مقابله اجتنابی می شوند. جستجوی حمایت اجتماعی (انحراف اجتماعی) و درگیر شدن در تکالیف غیر مرتبط (حواس پرتی). به طور مثال در موقعیت امتحان فرد به جای مطالعه کردن خود را به فعالیت های غیر مرتبط (مثل تمیز کردن، تماشای تلویزیون) و یا به دنبال دیگران بیرون رفتن (با یک دوست بیرون رفتن) مشغول می کند(شورجی^۵ و همکاران، ۲۰۱۰).

تعارض بین والدین به عنوان عدم توافق والدین تعریف شده است و از ناسازگاری و اختلافات معمول ناشی می شود. در واقع، کشمکش بین والدین تأثیر قابل توجهی بر سازگاری نوجوانان دارد (بوهرلر و جرارد، ۲۰۰۲). کشمکش و تعارض آشکار تحت عنوان رفتارهای خصمانه تعریف می شوند و با رفتارهایی نظیر جیغ زدن، توهین و بی احترامی کردن مشخص می شوند. اما تعارض نهان همان پیام های ارسالی والدین به کودکان و احساس گرفتار شدن بچه ها در کشمکش والدین است که منجر به افسردگی و گوشه گیری کودک می شود (برادفورد و باربر، ۲۰۰۸).

براون و فیتز جرالد (۲۰۰۷)، به نقل از خواجه نوری و هاشمی نیا، ۱۳۹۰) بر این باورند که اثرات زیان آوری که اختلافات و تعارضات بین والدین بر خانواده و اعضای آن می گذارد از موضوع های مهم جامعه شناسی خانواده به شمار می آید. گسیختگی والدینی دارای دامنه ای وسیع از نتایج منفی بر فرزندان هم از جهت برونی سازی و هم از جهت درونی سازی می باشد.

تعارض به معنای متعارض و مزاحم یکدیگر شدن، باهم خلاف کردن و اختلاف داشتن معنی شده است. رابینز در تعریفی می گوید: «تعارض فرآیندی است که در آن، شخص الف به طور عمدی می کوشد تا به گونه ای بازدارنده و سبب ناکامی شخص در رسیدن به علائق و اهدافش گردد». وی توضیح می دهد که در این تعریف، مفاهیم ادراک یا آگاهی^۶، مخالفت^۷، کمیابی^۸ و بازدارندگی^۹ نشان دهنده ماهیت تعارض هستند. سایر وجوه مشترک تعریف های واژه تعارض عبارت از مخالفت، نزاع، کشمکش، پرخاشگری و آشوب است (بهراری و همکاران، ۱۳۹۱).

1. Emotional coping strategy
2. Endler
3. Sayadi
4. Berkel
5. Shoji
6. Perception
7. Opposition
8. Scarcity
9. Blokage

والدین صمیمی باعث می شوند فرزندان درباره خود شان احساس مثبتی داشته باشند و این به امنیت، عزت نفس و کاهش اضطراب و تنش در آنها منجر و موجب یادگیری فرزندان می شود (هترینگتون و پارک^۱، ترجمه طهوریان و همکاران، ۱۳۸۰).

از دیدگاه تحولی، تعارض زناشویی اساساً از یک زوج به زوج دیگر نه فقط با توجه به مسایل خاصی که حول آنها تعارض شکل گرفته است بلکه به گو نه ای مهمتر با توجه به طول عمر و شدت تعارض متفاوت است (گه رن، ۱۹۸۷؛ به نقل از بهاری، ۱۳۹۰).

در رویکرد تحولی آنها به تعارض زناشویی، زوجها چهار مرحله را طی می کنند که در مرحله اول که موسوم به مخالفت اولیه است هر دو زوج از خانواده خوش کارکردی می آیند که فقط استرس اندکی داشته اند. در این دوره برنامه های آموزشی و پیشگیرانه موسوم به آموزش سیستمهای خانواده توصیه می شود. در مرحله دوم یا تعارض تکرار شونده، درمانگر با حرکت کردن مستقیم به سمت تعارض زناشویی روی راههای حفظ رابطه یا آمیزش عاطفی یا هردو کار می کند. این ساختار موجب کاهش برانگیختگی هیجانی و اضطراب زوج ها می شود تا دوباره توجه شان را روی خود متمرکز کنند. مرحله سوم یا تعارض شدید ویژه زوجهایی است که ادامه ازدواج را بازی مرگ و زندگی می دانند، مداخلات سیستمی در این مرحله می توانند مفید باشند، و سرانجام، در مرحله چهارم یا رابطه تشدید یافته زوج ها که مشخصه بارز آن «گرفتن وکیل» توسط یکی یا هر دو زوج است، درمان رابطه کارساز نیست و درمان فردی هر یک از زوجها و کمک به اطرافیان آنها مانند والدین و فرزندان، درمان ارجح است. در این مرحله، طلاق می تواند ابزاری برای مدیریت تعارض باشد که موجب آرامش - خاطر شده و به ناراحتی و خصومت خاتمه می دهد (براون، ۱۹۸۸؛ به نقل از یالکین^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

الیس^۳ معتقد است که آشفتگی روابط یک زوج به طور مستقیم به رفتار های طرف دیگر یا شکست های سخت زندگی مربوط نمی شود بلکه بیشتر به دلیل باور و عقیده ای است که این زوج در مورد چنین رفتارها و شکست هایی دارند (الیس، ۱۹۹۴).

آیرون بک^۴ بیان دارد ریشه ای اصلی مشکلات زناشویی و روابط انسانی سوءتفاهم است. تفاوت در نحوه ی نگرش افراد باعث بروز اختلافات و پیامدهای ناشی از آن می شود و اینکه هر یک از طرفین مسأله را به نحو متفاوتی می بینند و آنچه گفته می شود با آنچه شنیده می شود گاه کاملاً متفاوت است. در واقع سوءتفاهم هم یک فرآیند پویاست و زمانی ایجاد می شود که زن و شوهر تصویر مخدوش از همسرش در ذهن دارد. این تصویر مخدوش به سهم خود شرایطی را فراهم می سازد که طرفین رفتار و گفتار یکدیگر را تعبیر کنند (بک، ترجمه ی قراچه داغی، ۱۳۸۰).

جاکوبسن و مارگولین^۵ (۱۹۸۹؛ به نقل از بهاری ۱۳۹۰) تاثیر ترکیب یک برنامه حل مساله را با آموزش ارتباط در کاهش درماندگی زناشویی اثبات کردند (به نقل از اعتمادی، ۱۳۸۵). جاکوبسن (۱۹۸۹) با استفاده از راهبرد حل مشکل تغییرات مثبتی را در زوجین ایجاد کرده است. برخی از موضوع های شناخته شده ای که می تواند پدیدآورنده ی اختلاف های زناشویی باشد چنین است: پول؛ روابط جنسی؛ روابط خویشاوندی؛ دوستان؛ خیانت جنسی؛ مشکلات عاطفی؛ مشکلات مالی؛ مشکلات ارتباطی؛ درگیری های کاری؛ و مانند اینها (تعمتی، ۱۳۹۳).

سبک های غیرمؤثر مدیریت تعارض، که موجب بروز مشکلاتی در روابط همسران می شود، اشکال متعددی دارد که شایع ترین آن سبک های «رقابتی»، «اطاعت و تسلیم» و «اجتنابی» است.

- **سبک رقابتی:** برای همسرانی که در برخورد با تعارضها از سبک رقابتی استفاده می کنند، زندگی زناشویی به مثابه میدان جنگ است. «هدف آنها «کسب قدرت» و «برنده شدن» حتی به قیمت زیر پا گذاشتن حقوق و احترام دیگری است. آنها بدون توجه به نظر همسرشان، به خواسته های خود اصرار می ورزند و معمولاً از روش های پرخاشگرانه مثل فریاد یا اعمال زور استفاده می کنند. پیامد چنین سبکی ایجاد خشم در رابطه است» (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹).

- **سبک اطاعت و تسلیم:** «سلطه پذیری» ویژگی همسرانی است که این سبک را در حل تعارض به کار می گیرند. آنها هنگام بروز تعارض، از خواسته های خود به نفع علایق و نیازهای همسرشان می گذرند؛ به امید آن که تعارض خاتمه یابد و آرامش برقرار شود. هدف آنها حفظ رابطه به هر قیمتی است. چنین سبکی ممکن است در کوتاه مدت مزایایی داشته باشد؛ اما پیامد آن احساس ناکامی، سرخوردگی و افسردگی است که در نهایت به ارتباط صدمه می زند.

1. Hetrington & Park
2. Yalcin
3. Elisse
4. Beck
5. Jacobson & Margulin

– **سبک اجتنابی:** «در این سبک، هنگام تعارض، همسران یا موضوع را تغییر می‌دهند و یا به‌طور ساده از آن کناره می‌گیرند و صحنه‌ی تعارض را ترک می‌کنند. حال آن‌که برخورد منفعلانه با تعارض‌ها، نتیجه‌ی عکس می‌دهد و موجب بروز تعارض‌های مکرر می‌شود (مهرابی زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

«تعارض» یک جنبه‌ی اجتناب‌ناپذیر ارتباطات انسانی است. هنگامی که دو نفر با یک‌دیگر صمیمی می‌شوند، احتمال بیش‌تری وجود دارد که تعارض را تجربه کنند؛ چراکه در خلال یک ارتباط خصوصی، عادت‌ها یا تفاوت‌ها بارزتر می‌شوند و می‌توانند آزاردهنده باشند. هرچند تعارض، برای رابطه‌ی زناشویی خطرناک نیست، چگونگی مواجهه‌ی همسران با آن می‌تواند خطرناک باشد. تعارض، نوعی کشمکش و درگیری است. وقتی برای یکی از همسران، انجام کار، گفتن حرف و یا داشتن فکر و احساس در زمینه‌ی مسأله‌ای خاص، مهم و ارزشمند باشد و برای دیگری چنین نباشد، همسران دچار اختلاف سلیقه یا اختلاف نظر می‌شوند و این، «تعارض» در ارتباط و فرآیند تفاهم را نشان می‌دهد. ناتوانی در تحمل نظر یا سلیقه‌ی مخالف، می‌تواند پیامدی فراتر از مشاجره‌ی ساده و گذرا داشته باشد و مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری بین زن و شوهر ایجاد کند که نتیجه‌ی آن خصومت و روابط آشفته باشد. تعارض همسران ممکن است زمینه‌های آشکار یا پنهان داشته باشد؛ که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم (شفیعی نیا، ۱۳۸۸). به باور همسرانی که سبک تفاهم و تعامل را در زندگی مشترک خود به کار می‌برند، اختلاف و تعارض در زندگی زناشویی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است که باید با همکاری یکدیگر آن را حل کنند. «آن‌ها در کنار توجه به اهداف و علایق خود، به اهداف و خواسته‌های همسرشان نیز اهمیت می‌دهند و به‌هنگام تعارض، به راه‌حلی توجه می‌کنند که نیازهای طرفین را بر آورده سازد» (محمدپور، ۱۳۸۹). در خصوص پیشینه تحقیقات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود؛

امامی پور و محمودی (۱۳۹۰) بیان داشتند؛ کنش متقابل و رابطه عاطفی بین کودک و والدین به انتظارات و واکنش‌های آینده کودک شکل می‌دهند. حاتمی فرد و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود به نقش ارتباط و الگوهای والدین و تاثیر گذاری آن بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان تاکید داشتند. مطالعات آنها نشان داد که الگوهای ارتباطی مثبت والدین باعث افزایش سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود. یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقات خود به نقش نوع سبک‌های حل تعارض والدین و ارتباط آن با سازگاری اجتماعی و شیوه‌های حل مسأله فرزندان تاکید داشته‌اند. سبک‌های حل تعارض ناکارآمد موجب کاهش سازگاری اجتماعی و کاهش توانایی حل مسأله در فرزندان می‌شود.

موریس^۱ (۲۰۰۶) پس از تجزیه و تحلیل رابطه بین پاسخ‌های مقابله‌ای و هیجانات ایجاد شده به این نتیجه رسید که حل مسأله از طریق برنامه ریزی، مفیدترین و موثرترین پاسخ مقابله‌ای است. چرا که با بیشترین هیجان مثبت همراه است. لو و همکاران (۲۰۱۱) سبک‌های منفی حل تعارض، به عنوان الگویی منفی در شکل‌گیری رفتارهای ناسازگارانه و روش‌های نامؤثر و منفی حل مسائل اجتماعی در فرزندان عمل می‌کنند که مطابق با یافته‌های سابق است. فرونه و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود در خصوص تعارضات والدین و تاثیر گذاری آن بر سلامت روانشناختی فرزندان، بیان داشتند والدین متعارضی که از سبک‌های نامناسب برای حل تعارض استفاده می‌کنند باعث افسرده شدن، ناکارآمد شدن و تضعیف خودکارآمدی فرزندان خود می‌شوند. کلگریس، باهانوال و هارن^۲، ۲۰۱۶؛ دولن و دولینز^۳، ۲۰۱۵؛ فرونه، ۲۰۱۴؛ در مطالعات خود نشان داده‌اند که وقتی والدین در حل تعارضات از سبک‌های ناکارآمد مانند سبک‌های پرخاشگرانه استفاده می‌کنند، کودکان آنها سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد را نشان می‌دهند، که این موضوع را می‌توان از دیدگاه‌های رفتاری، یادگیری مشاهده‌ای و حتی یادگیری ناهشیار تبیین نمود. روساکو و زگید^۴، ۲۰۱۶؛ وی^۵، ۲۰۱۶؛ پالمو، لو، برومبرگ، فیلس، اسلتون و ویلسون^۶، ۲۰۱۶) در مطالعات خود نشان داده‌اند که نوع حل تعارض بین همسران الگویی را برای فرزندان آنها فراهم می‌کند به شکلی که این الگوها در حل مسایل به این کودکان کمک می‌کند. گاهی این کودکان بدون اینکه نسبت به این موضوع آگاه باشند از این الگوها استفاده می‌کنند. بسیاری از محقق معتقدند که نوع برخورد والدین در منزل و در شرایط استرس‌آمیز مانند تعارضات بین همسران، باعث ایجاد نوعی یادگیری بنیادی در کودکان آنها در شرایط استرس‌آمیز می‌شود به نحوی که والدین دارای سبک‌های حل تعارض کارآمد کودکانی با توانایی حل مسئله کارآمد دارند و برعکس.

1. Morris
2. Klegeris, Bahniwal, Hurren
3. Dolan, Collins
4. Rusakov & Zgid
5. Wei
6. Palermo, Law, Bromberg, Fales, Eccleston, Wilson

مواد و روش‌ها

این پژوهش با توجه به هدف و شیوه اجراء همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر دبیرستان و والدین شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود. روش نمونه گیری: بصورت خوشه ای چند مرحله ای انجام گرفت. از بین مناطق شهری، بصورت تصادفی دو منطقه انتخاب گردید. سپس بصورت تصادفی از هر منطقه دو دبیرستان انتخاب شدند. از دبیرستان های انتخاب شده مجدداً بصورت تصادفی سه کلاس انتخاب شد. حجم نمونه براساس جامعه آماری مشخص که تعداد ۱۰۸۰ دانش آموز دختر- والد بود، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۹۲ دانش آموز- والد انتخاب گردیدند.

ابزار پژوهش شامل:

(الف) پرسشنامه سبک‌های حل تعارض والدین (CRSI): پرسشنامه سبک های حل تعارض والدین (CRSI) که توسط کوردک (۱۹۹۴) ارائه شده است. این مقیاس متشکل از ۱۶ گویه بوده و شامل چهار زیرمقیاس است که عبارت اند از: حل مثبت مسأله، پرخاش در تعارضات، کناره گیری، و انطباقی. پایایی این پرسشنامه ۰/۸۷ همچنین پرسشنامه گفت وگویی بی ثمر (کوردک، ۱۹۹۴) که متشکل از ۸ گویه است مورد استفاده قرار گرفت. پایایی این مقیاس در پژوهش یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۲) برابر با ۰/۸۶ بود.

(ب) سبک‌های حل مسأله اجتماعی از مقیاس دی زوربلا و همکاران (۲۰۰۰): استفاده شد. این پرسشنامه توسط مخبری (۱۳۸۸) هنجاریابی شده است. فرم کوتاه آن ۲۵ گویه داشته و دو مقیاس برای ارزیابی جهت گیری عمده مثبت و منفی و سه مقیاس برای انواع سبک های حل مسأله شامل حل مسأله منطقی، تکانشی، بی توجهی و اجتنابی را دربر می گیرد. پایایی این پرسشنامه برابر با ۰/۹۳ بود. به منظور سنجش میزان سازگاری اجتماعی از سؤالات سازگاری اجتماعی پرسشنامه سازگاری بل (۱۹۶۱) استفاده گردید که ۳۲ سؤال را در بر می گیرد. پایایی این پرسشنامه در مطالعه یزدان پناه و همکاران ۰/۸۹ بدست آمد.

(ج) نسخه کوتاه فهرست مقابله با موقعیت های تنیدگی زا: اندلر و پارکر (۱۹۹۰) آزمون ۴۸ سئوالی فهرست مقابله را طراحی کردند که هر ۱۶ سؤال به یکی از سبکها مربوط میشود. سبک مقابله مسئله مدار شامل سوالهای ۱، ۳، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، هیجان مدار شامل سوال های ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۷ و ۲۰ و اجتنابی شامل سوال های ۴، ۸، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۱ است. سبک مقابله اجتنابی قابل تفکیک به خرده مقیاسهای حواسپرتی شامل سوال های ۴، ۸، ۹ و ۲۱ و مشغولیت اجتماعی شامل سوال های ۱۹، ۱۶، ۱۵ است. پاسخ به هر سؤال بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می شود. سبک غالب هر فرد با توجه به نمره وی در هریک از ابعاد سه گانه سبک های مقابله تعیین می شود. نتایج تحلیل عاملی تاییدی در مطالعه کوهن و همکاران (۲۰۰۶) با هدف بررسی ساختار عاملی نسخه کوتاه ۲۱ سئوالی نشان داد که الگوی چهار عاملی شامل عوامل مسئله مداری، هیجان مداری، حواسپرتی و مشغولیت اجتماعی در مقایسه با الگوی سه عاملی برآزش بهتری با داده ها دارد. در نسخه کوتاه فهرست مقابله با موقعیتهای تنیدگی زا هر یک از سبکها با ۷ سؤال اندازه گیری میشود. در مطالعه شکری (۱۳۸۸)، ضرایب آلفای کرانباخ نسخه کوتاه در بین دانشجویان ایرانی برای سبک مقابله مسئله مدار ۰/۷۴، هیجان مدار ۰/۷۰ و اجتنابی ۰/۷۳ و در بین دانشجویان سوئدی به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۷، ۰/۶۸ و در کل برای هر دو جامعه برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۱ و ۰/۷۴ بدست آمد (به نقل از کاکابرایی، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS21 از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل مقایسه میانگین ها و آزمون ANOVA انجام گردید.

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت کنندگان

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
سبک حل مساله منطقی	۱۱/۱۱	۱/۲۰
سبک حل مساله تکانشی	۹/۶	۱/۳۳
سبک حل مساله بی توجهی	۸/۲	۱/۲
سبک حل مساله اجتنابی	۷/۵	۱/۱
مساله مدار	۱۸/۱۸	۲/۲
هیجان مدار	۱۵/۲۵	۵/۲
اجتنابی	۱۱/۰۲	۳/۳
سبک حل تعارض مثبت	۱۳/۷	۴/۵

سبک حل تعارض پرخاش در تعارض	۱۴/۶	۳/۴
سبک حل تعارض کناره گیری	۱۶/۵	۲/۳
سبک حل تعارض انطباقی	۱۰/۲	۱/۴

در جدول (۱) میانگین‌های زیر مقیاس های حل مساله اجتماعی و راهبردهای مقابله ای و سبک های حل تعارض گزارش شده است که دارای اختلاف می باشند.

جدول (۲) نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنف جهت بررسی پیروی داده‌ها از توزیع نرمال

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره Z	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
حل مساله اجتماعی	۲۵	۸۶	۷/۸۵	۰/۶۳۵	۰/۸۰۴	نرمال
سبک های مقابله ای	۲۱	۸۲	۶/۳۳	۰/۵۸۷	۰/۸۲۱	نرمال
سبک های حل تعارض	۱۶	۵۵	۴/۲۲	۰/۶۰۱	۰/۸۱۵	نرمال

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که همه متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش از توزیع نرمال پیروی می نمایند لذا به منظور بررسی فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده می‌نمائیم.

ب: آمار استنباطی

فرضیه اول: بین شیوه حل مساله اجتماعی (منطقی، تکانشی، بی توجهی و اجتنابی) در فرزندان با سبک های حل تعارض والدین (حل مثبت، پرخاش در تعارض، کناره گیری و انطباقی) رابطه وجود دارد.

جدول (۳) ماتریس همبستگی شیوه حل مساله اجتماعی و سبک های حل تعارض

متغیرها	حل مثبت	پرخاش در تعارض	کناره گیری	انطباقی
سبک حل مساله منطقی	۰/۱۸*	-۰/۲۶*	-۰/۲۰*	۰/۱۹*
سبک حل مساله تکانشی	-۰/۱۶*	۰/۱۵*	۰/۲۰*	-۰/۱۸*
سبک حل مساله بی توجهی	-۰/۱۷*	۰/۱۴*	۰/۱۳*	-۰/۱۲*
سبک حل مساله اجتنابی	-۰/۱۲*	۰/۱۱*	۰/۱۳*	-۰/۱۳*

*P<۰/۰۵

همانطور که در جدول (۳) گزارش شده است بین بعد های سبک های حل تعارض مثبت و انطباقی و سبک های حل مساله منطقی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در حالیکه بین سبک های حل تعارض پرخاش در تعارض و کناره گیری با حل مساله منطقی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. ضریب هر یک از متغیرها در جدول مندرج می باشد.

فرضیه دوم: بین راهبردهای مقابله ای (مساله مدار، هیجانی و اجتنابی) فرزندان و سبک های حل تعارض والدین (حل مثبت، پرخاش در تعارض، کناره گیری و انطباقی) رابطه وجود دارد.

جدول (۴) ماتریس همبستگی راهبردهای مقابله ای و سبک های حل تعارض

متغیرها	مساله مدار	هیجانی	اجتنابی
سبک حل تعارض مثبت	۰/۱۸*	۰/۲۱*	-۰/۱۸*
سبک حل تعارض پرخاش در تعارض	-۰/۱۶*	۰/۱۴*	-۰/۱۹*
سبک حل تعارض کناره گیری	-۰/۱۷*	۰/۱۱*	-۰/۱۴*
سبک حل تعارض انطباقی	۰/۱۲*	۰/۱۰*	-۰/۱۵*

*P<۰/۰۵

همانطور که در جدول (۴) گزارش شده است بین بعد های سبک های حل تعارض مثبت و انطباقی و سبک های مقابله ای مساله مدار و هیجان مدار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در حالیکه بین سبک های حل تعارض مثبت و انطباقی و سبک های مقابله ای اجتنابی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. ضریب هر یک از متغیرها در جدول مندرج می باشد.

فرضیه سوم: سبک های حل تعارض والدین پیش بینی کننده راهبردهای مقابله ای فرزندان است.
جدول (۵) خلاصه رگرسیون چندگانه متغیر سبک های حل تعارض بر راهبرد های مقابله ای

(مساله مدار، هیجان مدار و اجتنابی)

سطح معناداری	میزان آماره تی	ضریب رگرسیون استاندارد شده	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		
			B	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۱۲/۲۶۵	-	۱۰/۲۴۸	۱۴۴/۸۰۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۲/۸۰۶	۰/۲۴۲	۰/۹۲	۰/۳۱۵	مساله مدار
۰/۰۰۱	۲/۴۱۱	۰/۲۵۹	۰/۷۳	۰/۲۶۲	هیجان مدار
۰/۰۰۰	۳/۰۱۵	۰/۲۵۸	۰/۷۱	۰/۲۵۹	اجتنابی

$$\alpha = 0.05$$

در سطر اول (مقدار ثابت)، چون سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با ۱۲/۲۶۵، بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد مقدار ثابت در مدل باقی می ماند و ضریب آن برابر ۱۴۴/۸۰۸ می باشد.

در سطر دوم (مساله مدار)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا ۰/۰۵ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با ۲/۸۰۶، بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن ۰/۳۱۵ می باشد.

در سطر سوم (هیجان مدار)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا ۰/۰۵ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با ۲/۴۱۱، بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن ۰/۲۶۲ می باشد.

در سطر چهارم (اجتنابی)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا ۰/۰۵ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با ۳/۰۱۵، بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن ۰/۲۵۹ می باشد.

فرضیه چهارم: سبک های حل تعارض پیش بینی کننده سبک های حل مساله اجتماعی فرزندان است.
جدول شماره ۶: خلاصه رگرسیون چندگانه متغیر سبک های حل تعارض والدین بر سبک های حل مساله اجتماعی

(منطقی، تکانشی، بی توجهی و اجتنابی)

سطح معناداری	میزان آماره تی	ضریب رگرسیون استاندارد شده	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		
			B	خطای استاندارد	
۰/۰۰۱	۱۳/۲۶۵	-	۱۰/۲۲۸	۱۴۰/۸۹۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۲/۶۲۶	۰/۲۳۲	۰/۸۲	۰/۳۰۵	حل مساله منطقی
۰/۰۰۱	۲/۲۲۲	۰/۲۴۹	۰/۷۷	۰/۲۵۲	حل مساله تکانشی
۰/۰۰۱	۳/۲۰۰	۰/۲۴۸	۰/۷۴	۰/۲۴۹	حل مساله بی توجهی
۰/۰۰۱	۳/۳۲۵	۰/۲۴۵	۰/۷۳	۰/۳۲۵	حل مساله اجتنابی

$$\alpha = 0.05$$

در سطر اول (مقدار ثابت)، چون سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با ۱۳/۲۶۵، بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد مقدار ثابت در مدل باقی می ماند و ضریب آن برابر ۱۴۰/۸۹۶ می باشد.

در سطر دوم (حل مساله منطقی)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا $0/05$ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با $2/626$ ، بزرگتر از مقدار $1/96$ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن $0/305$ می باشد.

در سطر سوم (حل مساله تکنشی)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا $0/05$ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با $2/222$ ، بزرگتر از مقدار $1/96$ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن $0/252$ می باشد.

در سطر چهارم (حل مساله اجتنابی)، چون مقدار معناداری از مقدار خطا $0/05$ کوچکتر می باشد و قدر مطلق آماره تی برابر با $3/325$ ، بزرگتر از مقدار $1/96$ می باشد با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می شود پس متغیر تنظیم هیجانی در مدل باقی می ماند و مقدار ضریب آن $0/229$ می باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در خصوص میزان تعارض والدین در دانش‌آموزان مورد بررسی نشان داد که والدین این دانش‌آموزان از تعارضات پایینی برخوردار بودند و میزان استفاده از سبک‌های حل تعارض مناسب بهره می‌برند. یافته‌های پژوهش در خصوص فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بین شیوه حل مساله اجتماعی (منطقی، تکانشی، بی توجهی و اجتنابی) در فرزندان با سبک‌های حل تعارض والدین (حل مثبت، پرخاش در تعارض، کناره‌گیری و انطباقی) رابطه وجود دارد، نشان داد که یک رابطه معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های روساکو و همکاران (۲۰۱۶)، وی و همکاران (۲۰۱۶)، پالمو و همکاران (۲۰۱۶)، یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۱)، حاتمی فرد و همکاران (۱۳۹۰) همسو بود.

در خصوص فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه بین راهبردهای مقابله‌ای (مساله مدار، هیجانی و اجتنابی) فرزندان و سبک‌های حل تعارض والدین (حل مثبت، پرخاش در تعارض، کناره‌گیری و انطباقی) رابطه وجود دارد، نشان داد که یک رابطه معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های کلگریس و همکاران (۲۰۱۶)، دولن و همکاران (۲۰۱۵)، فرونه و همکاران (۲۰۱۴)، لو و همکاران (۲۰۱۱)، امامی پور و محمودی (۱۳۹۰)، یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۱)، حاتمی فرد و همکاران (۱۳۹۰) همسو بود.

در خصوص فرضیه سوم مبنی بر اینکه سبک‌های حل تعارض والدین پیش‌بینی کننده راهبردهای مقابله‌ای فرزندان است، نشان داد که سبک‌های حل تعارض می‌تواند راهبردهای مقابله‌ای را در فرزندان پیش‌بینی کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی کردن سبک مقابله‌ای مساله مدار بیشترین توان را دارد. همچنین یافته‌های نشان داد که سبک‌های حل تعارض توان پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای هیجان مدار و اجتنابی را نیز دارد. یافته‌های پژوهش در خصوص فرضیه چهارم مبنی بر اینکه آیا سبک‌های حل تعارض والدین پیش‌بینی کننده سبک‌های حل مساله اجتماعی فرزندان است، نشان داد که سبک‌های حل تعارض توان پیش‌بینی سبک‌های حل مساله اجتماعی را دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که سبک‌های حل تعارض قوی‌ترین پیش‌بینی کننده سبک‌های حل مساله منطقی است.

نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های حل تعارض با شیوه‌های حل مساله اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان رابطه معنادار دارد. همچنین نتایج نشان داد که سبک‌های حل تعارض یک متغیر مناسب برای پیش‌بینی شیوه‌های حل مساله اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای فرزندان است. تاثیر گذاری رفتار والدین بر فرزندان یک امر اجتناب ناپذیر است. نتایج این مطالعه نشان داد که نوع واکنش و کنار آمدن والدین با یکدیگر نوعی الگو را برای فرزندان آنها فراهم می‌آورد که باعث می‌شود فرزندان آنها همان الگو را در موقعیت‌های ارتباطی بکار گیرند.

پیشنهادات

در خصوص نتایج فرضیات می‌توان چنین پیشنهاد نمود که؛ (۱) دانش‌آموزان دارای والدین متعارض شناخته شود و مورد حمایت‌های مشاوره‌ای قرار گیرند. (۲) دانش‌آموزان دارای راهبردهای ناکارآمد مورد شناسایی قرار گیرد و توسط افراد دوره دیده مورد مشاوره و آموزش قرار گیرند. (۳) دانش‌آموزان دارای شیوه‌های حل مساله نامناسب مورد شناسایی قرار گیرد و توسط افراد دوره دیده مورد مشاوره و آموزش قرار گیرند. (۴) از والدین دارای تعارضات زناشویی دعوت شود و توسط افراد دوره دیده جهت مشاوره و آموزش دوره‌های متناسب برگزار شود.

منابع و مراجع

- [۱] بهادری خسروشاهی، جعفر و خانجانی، زینب (۱۳۹۲). ارتباط راهبردهای مقابله ای و خودکارآمدی با گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان. مجله دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، دوره ۱۴، شماره ۳، ص: ۸۰-۹۰.
- [۲] بهاری، ف. و صابری، م. (۱۳۸۳). مقایسه عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوج‌های غیرمطلقه. مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۳۴، شماره ۱۰.
- [۳] پشتیبان، عبدالله (۱۳۸۶). رابطه سبک حل مساله با پیشرفت تحصیلی. عزت نفس و طرز تفکر دانش آموزان سال سوم مقطع متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- [۴] حسینی دولت آبادی، فاطمه؛ صادقی، عباس؛ سعادت، سجاد و خدایاری، هانیه (۱۳۹۳). رابطه بین خودکارآمدی و خودشکوفایی با راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، دوره ۶، شماره ۱.
- [۵] شفیع‌نیا، مریم (۱۳۸۸). بررسی تأثیر مهارت‌های حل تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه الزهرا.
- [۶] محمدپور، احمدرضا (۱۳۸۹). مدیریت تعارض همسران. مشهد، آهنگ قلم چاپ ۲.
- [۷] هترینگتون، ای. میویس، و پارک، راس دی (۱۳۷۳). روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر. ترجمه: جواد طهوریان و همکاران. جلد دوم. آستان قدس رضوی.
- [۸] یزدان پناه، محمد علی؛ حضرتی ویری، اصغر؛ کیانی، ستاره و اشرف آبادی، مسعود (۱۳۹۰). نقش‌های سبک‌های حل تعارض والدین و سازگاری اجتماعی و شیوه‌های حل مساله اجتماعی فرزندان. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص: ۲۶۷-۲۷۷.
- [9] Berkel H (2009). The Relationship between Personalty, Coping styles and Stress, Anxiety and Depression. Unpublished Doctoral dissertation, University of Canterbury. 2006;4(1):139-54.
- [10] Bradford, K., & Barber, B. K. (2008). Interparental conflict, parent-child conflict, and youth problem behavior. *Journal of Family Issues*, 6, 780-805.
- [11] Branje, S. J. T., van Doorn, M. van der Valk, I., Meeus, W. (2009). Parent- adolescent conflicts, conflict resolution types, and adolescent adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology* 30, 195-204.
- [12] Bransford, J. D., & Stein, B. S (1993). The ideal problem solver: A guide for improving thinking, learning, and creativity (2nd ed).
- [13] Buehler, C., & Gerard, J. M. (2002). Marital conflict, ineffective parenting, and children's and adolescents' maladjustment]. *Journal of Marriage and Family*, 64, 78-92.
- [14] Carver CS, Pozo C, Harris SD, Noriega V, Scheier MF. Robinson DS, Ketcham AS. 1993. How coping mediates the effect of optimism and distress: A study of women with early stage breast cancer. *Journal of personality and Social Psychology.*, 65: 375-390.
- [15] Compas, B. E., Conner-Smith, J. K., Saltzman, H., Thomsen, A. H., & Wadsworth, M. E. (2001). Coping with stress during childhood and adolescence: Problems, progress, and potential in theory and research. *Psychological Bulletin*, 127, 87-127.
- [16] Dadds, M. R., Atkinson, E. Turner, C., Blums, G. J., Lendich, B. (1999). Family Conflict and Child Adjustment: Evidence for a Cognitive-Contextual Model of Intergenerational Transmission *Journal of Family Psychology*, 13(2), 194-208.
- [17] Dolan EL, Collins JP (2015). We must teach more effectively: here are four ways to get started. *Mol Biol Cell*. 15;26(12):2151-5
- [18] D'Zurilla TJ, Sheedy CF. Relation between social problem-solving ability and subsequent
- [19] Endler NS, Parker JA (1990). Multidimensional assessment of coping: a critical evaluation. *Journal of Personality and Social psychology*, 2, 58: 844-854.

- [20] Ghasempour, Z., Md Nor Bakar and Jahanshahloo G. R (2013). Innovation in Teaching and Learning through Problem Posing Tasks and Metacognitive Strategies.
- [21] Gottman, J. M., & Krokoff, I. J. (1999). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 47-52.
- [22] Jacobson, N. S., Margolin, B. (1991). *Marital therapy*. New York: Brunner/mazel.
- [23] Klegeris A, Bahniwal M, Hurren H (2016). Improvement in generic problem-solving abilities of students by use of tutor-less problem-based learning in a large classroom setting. *CBE Life Sci Educ*. 12(1):73-9.
- [24] Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1985). *Coping and adaptation*, Gilford Press. level of psychological stress in college students. *J Personal Soc Psychol*. 1991;61(5):841.
- [25] Lue, T., Wishon, P. M., McDevitt, T. M., & Walsh, W. M. (2011). The Relationship Between Marital Discord and Young Children's Social Problem-solving Strategies: The Roles of Modeling and Parenting. *Early Child Development and Care*, 137, 1-19.
- [26] Mari L. Clements, Sarah E. Martin, David W. Randall, Karen L. Kane. 2014. Child and Parent Perceptions of Interparental Relationship Conflict Predict Preschool Children's Adjustment. *Couple Family Psychol*, 3(2): 110-125.
- [27] Morris, L. W. & Engle, W. B. (2006). Psychodiagnostic processes: Personality inventories and scale assessing various coping strategies and their effects on test performance and anxiety. *Journal of clinical psychology*, 37, 1, 165-171.
- [28] Mosher, C. E., Prelow, H. M., Chen, W. W., & Yackel, M. E. (2006). Coping and Social Support as Mediators of the Relation of Optimism to Depressive Symptoms Among Black College Students. *Journal of Black Psychology*, 32(1), 72-86.
- [29] Murphy, C. E. (2002). Coping strategies, family environment, & interpersonal fear: A study of congruence between college students & their parents. *Journal of Clinical Psychology*, 101-109.
- [30] Palermo TM, Law EF, Bromberg M, Fales J, Eccleston C, Wilson AC (2016). Problem Solving Skills Training for Parents of Children with Chronic Pain: A Pilot Randomized Controlled Trial. *Pain*. 3. [Epub ahead of print]
- [31] Parker, J. G., & Asher, S. R. (1993). Friendship and quality in middle childhood: links with group acceptance and loneliness and social dissatisfaction. *Developmental psychology*, 29, 611-621.
- [32] Rusakov AA, Zgid D (2016). Self-consistent second-order Green's function perturbation theory for periodic systems. *J Chem Phys*. 7;144(5):054106.
- [33] Saarni, C (1999). *The development of emotional competence*. New York: Guilford Press.
- [34] Sayadi A, Khodayari H, Saadat S, Jahangiri S (2014). Survey the Relationship between Attachment Styles, Coping Strategies and Mental Health among Students at University of Guilan, Iran. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*; 4 (1): 253-262.
- [35] Shoji K, Harrigan JA, Woll SB, Miller SA (2010). Interactions among situations, neuroticism, and appraisals in coping strategy choice. *Personality and Individual Differences* 2010; 48(3): 270-276.
- [36] Stutzman, S., Bean, R., Miller, Day, R., Feinauer, L., Porter, C., & Moore, A. (2011). Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American Youth. *Children and Youth Services Review*, 33, 663-668. *Journal of Family Psychology*, 33(5), 663-668.
- [37] Taylor, S. E. (1999). *Health psychology* (4th ed). New York: MacGraw-Hill.
- [38] Whiteside-Mansell, L., Bradley, R. H., McKelvey, L., Fussell, J. J. (2009). Parenting: Linking Impacts of Interpartner Conflict to Preschool Children's Social Behavior. *Journal of Pediatric Nursing*, 24(5), 389-400.

- [39] Salami SO, Aremu AO. Relationship between problem solving ability and study behavior among school-going adolescents in southwestern Nigeria. *Electronic J Res Educ Psychol*.
- [40] Hoyt P. 2006. Problem Solving for Better Health Nursing: a working approach to the development and dissemination of applied research in developing countries. *Appl Nurs Res.*;19(2):110-2;
- [41] Wang JJ, Lo CH, Ku YL. Problem solving strategies integrated into nursing process to
- a. promote clinical problem solving abilities of RN-BSN students. *Nurse Educ Today*. 2004
 - b. Nov;24(8):589-95.